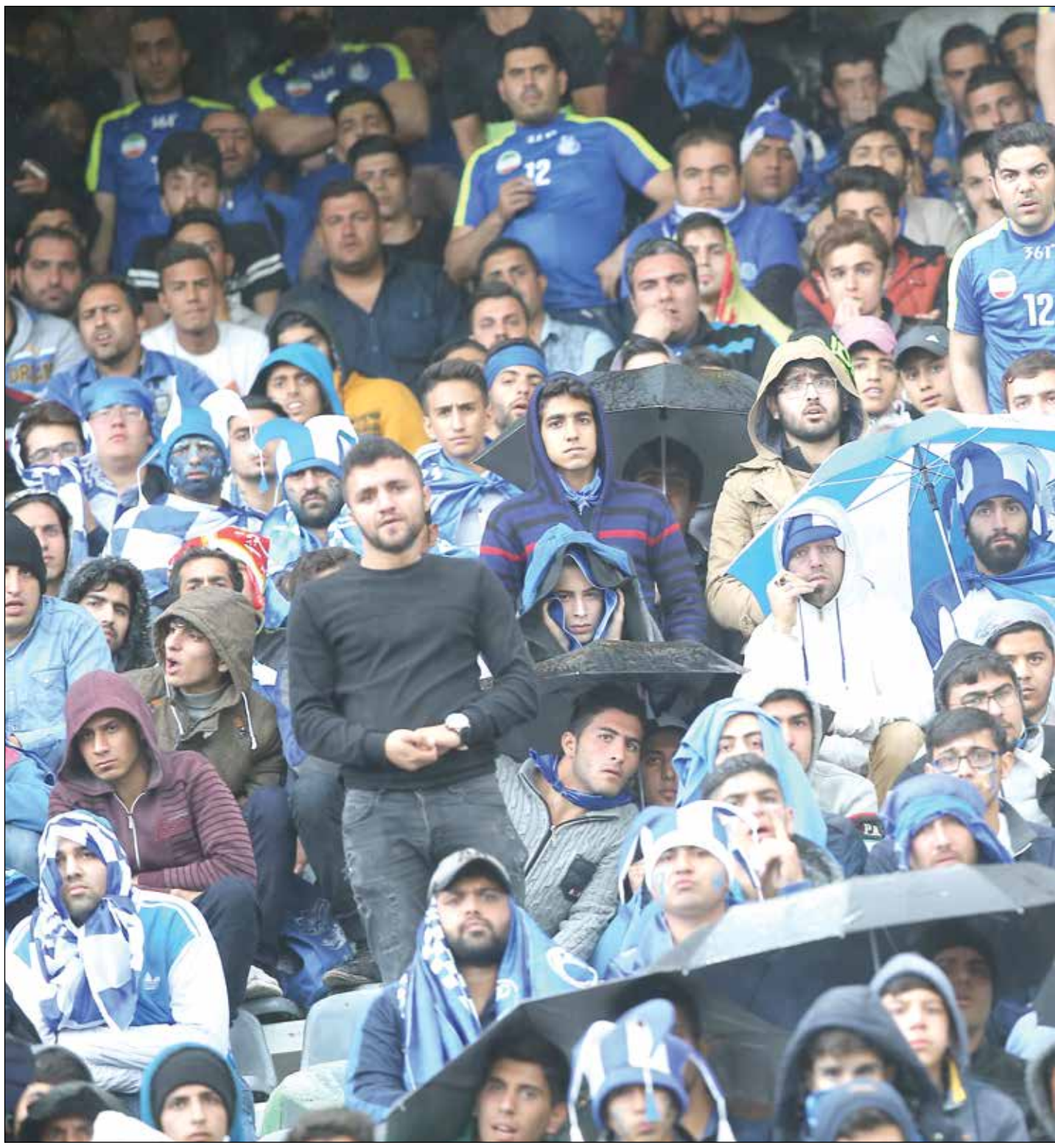

نیست که بتواند بازیکنان باکیفیت با رزومه‌ی بازی ملی و بازی در لیگ‌های معتبر را استخدام کند.

استانداردسازی ورزشگاه‌ها

استانداردسازی بسیاری از ورزشگاه‌های ایران فقط در حد گیت، بلیت‌فروشی اینترنتی، شماره‌دار شدن صندلی‌ها و نصب دوربین‌های امنیتی شاید ممکن باشد، اما اغلب ورشگاه‌ها از بنیان استاندارد نیستند و حتی سازه‌های نامناسب و غیراستاندارد و زشتی دارند، موضوعاتی که با شماره‌گذاری صندلی و نصب دوربین فراموش نمی‌شوند.

برای دانستن چرایی این ماجرا می‌توانیم به یک دهه پیش برگردیم؛ به دوره ریاست محمد علی‌آبادی بر سازمان تربیت‌بدنی ایران. او ۴ سال بر صندلی ریاست این سازمان نشست و معاون رئیس‌جمهور بود. در ۴ سال ریاستش بر سازمان تربیت‌بدنی همواره از پروژه‌های عمرانی حرف زد، با ادعاهایی بزرگ و فراموش‌نشدنی. علی‌آبادی آن‌طورکه اعلام می‌کرد کارشناس ارشد معماری بود و در تمام دوره‌ی ریاستش، روی پروژه‌های عمرانی در ورزش متمرکز شده بود. محصول دوران او که به قول خودش با ساخت‌وساز گذشت، امروز اما نتوانسته است برای فوتبال ایران چند ورزشگاه استاندارد باقی بگذارد.

ادعاهای محمد علی‌آبادی را مرور کنیم؛ او شهریور ۸۸ گفته بود: «کل مکان‌های ورزشی ساخته شده در طول ۷۰ سال تاریخ ورزشی کشور، ۳ هزار و ۷۵۰ مکان ورزشی بوده که با عنایت به افزایش بودجه‌های عمرانی ورزشی، این تعداد به ۷۵۰۰ مجموعه، یعنی دو برابر تمام دارایی‌های ورزشی کشور در ۷۰ سال گذشته رسیده است.»

این اعداد و ارقام بزرگ و باشکوه به نظر می‌رسند اما واقعیت را خودتان می‌توانید تماشا کنید. سری بزنید به ورزشگاه‌های ۱۵ هزار نفری که در آن دوران پی‌درپی افتتاح می‌شدند؛ سازه‌های بدقواره‌ای که هرگز زیبایی یک ورزشگاه را نداشتند، چمن‌شان نامناسب بود و زود از بین می‌رفت، در بعضی از آن ورزشگاه‌ها بعدها چمن مصنوعی نصب کردند، در ورزشگاه‌ها هیچ امکاناتی برای تماشاگران وجود نداشت، رختکن‌ها خیلی زود به مخروبه تبدیل شدند، سکوهای تماشاگران در اغلب این ورزشگاه‌ها از زمین دور بود و حس جذاب فوتبال را نابود می‌کرد، حتی محاسباتی مثل میزان بارندگی در شهر یا گردش باد در ورزشگاه انجام نشده بود، فقط می‌ساختند و روبان را با قیچی می‌بریدند و به کارنامه‌ی افتتاحیه‌ها می‌افزودند. از ورزشگاه‌های فوتبال که در دوره علی‌آبادی ساخته شد، حتی یک ورزشگاه که همین استانداردهای حداقلی مورد نیاز را داشته باشید، پیدا نمی‌کنید. لیگ‌برتر به تعویق افتاد تا امکاناتی ساده که باید از روز اول در هر ورزشگاهی باشد، ساخته شود.

برداشت جناحی از اشاره به آن دوران، بدترین برداشت است. مسئله اینجا ورزش است که برای برگزاری لیگ‌برتر فوتبال ورزشگاه استاندارد ندارد، درحالی‌که یک دهه پیش رئیس سازمان تربیت‌بدن، ی چهار سال اعداد و ارقامی را به رسانه‌ها تحویل می‌داد و از پروژه‌های عمرانی حرف می‌زد. اما آیا خیال می‌کنید آن همه حرف پیش از آغاز لیگ درباره استانداردسازی ورزشگاه‌ها این بار به جایی رسید؟ خیر، شما دچار خوش‌خیالی شده‌اید.

حضور زنان در ورزشگاه‌ها، بهانه‌ی تعویق لیگ

حضور زنان در ورزشگاه، مسئله‌ای حل‌نشده در فوتبال ایران است. به بهانه‌ی حضو زنان قرار بود جایگاه‌های مجزا و ورودی و خروجی مجزایی در ورزشگاه‌ها ساخته شود و همین ساخت‌وسازها یکی از دلایل تعویق لیگ‌برتر عنوان می‌شد. اما لیگ‌برتر رو به پایان است و هنوز هیچ‌کس در بین مقامات ورزشی ایران درباره‌ی حضور زنان در ورزشگاه‌ها حرف نمی‌زند. بازی ایران-کامبوج در ورزشگاه آزادی، آخرین حضور زنان ایرانی در ورزشگاه بود. فیفا پس از آن درباره‌ی حضور زنان در بازی‌های لیگ و در تمام ورزشگاه‌ها هشدار داد، اما هشدار فیفا نادیده گرفته شد.

آیا فیفا در قوانین خود بازی‌های ملی و باشگاهی را تفکیک کرده است؟ چنین تفکیکی در قوانین نیست، اما فدراسیون فوتبال قوانین را این‌طور جلوه می‌دهد و برگزاری لیگ بدون حضور زنان مشخص نیست چه عواقبی در آینده‌ی نزدیک داشته باشد. دراین‌باره البته فدراسیون فوتبال نمی‌تواند مستقل تصمیم بگیرد و این بحث در دایره‌ی بحث‌های فوتبال در ایران حل نمی‌شود.

اینفانتینو وعده داده بود که نظارت‌های بیش‌تری برای حضور زنان در بازی‌های لیگ خواهد داشت، اما فیفا وقتی اساس‌نامه فدراسیون فوتبال ایران را در آستانه انتخابات سراسر غلط می‌داند، چگونه توقع داشته باشد که اصلاحات دیگر در فوتبال ایران مقدور شود؟

ویروس کرونا، آخرین بحران سال در لیگ

آن تعویق بی‌دلیل آغاز لیگ‌برتر باعث شد که وقتی ویروس کرونا در اسفند ماه تمام ایران را فراگرفت، سازمان لیگ با اصرار بازی‌ها را بدون تماشاگر برگزار کند. برگزاری بازی بدون تماشاگر، نمایشی زشت از فوتبال است که شاید در جای دیگری از دنیا نیز در شرایط خاص تکرار شود، اما سازمان لیگ فوتبال ایران علاقه و اصرار عجیبی به برگزاری بازی بدون تماشاگر دارد. همین اصرار به جنجال در بازی سپاهان-پرسپولیس منجر شد و سپاهان در بازی بزرگِ سال و در کورس قهرمانی شرکت نکرد تا ۳-صفر بازنده شود. سازمان لیگ اما از این ماجرای ناگوار هم پندی نگرفت و در اوج بحران کرونا در ایران به برگزاری بازی‌ها اصرار کرد و حتی از تهدید باشگاه‌ها دست برنداشت.

تلقی سازمان لیگ از فوتبال این است که باید لیگ را در هر وضعیتی به پایان برساند. این درواقع فوتبال نیست، بلکه کوششی برای انجام وظیفه‌ی اداری است.

داوری

مهدیه دریابیگی

در اوج شهرت هم مغرور نبودم

علی خسروی: به‌شهرم بدهکارم

علی خسروی روابط عمومی قوی دارد، نوع حرف زدن او و همچنین مصاحبه‌های جنجالی این پیشکسوت داوری هیچ‌گاه از یاد فوتبالدوستان نمی‌رود. کمتر دیده شده که اتفاقی در داوری بیفتد خسروی نسبت آن واکنش نشان ندهد.

به همین خاطر هم اهالی داوری او را فردی مورد اطمینان می‌دانند و در مواقع ضروری از خسروی می‌خواهند از حق آنها دفاع کند اما این پیشکسوت داوری همانطور که مدافع داوران است در مواقع لزوم هم سعی می‌کند داوران جوان را نصحیت کند.

توصیه‌ای که به درد داوران کم تجربه می‌خورد. علی خسروی این بار خاطره‌اش را با توصیه شروع می‌کند: «توصیه‌ام به داوران این است که به هر کجا در داوری رسیدند نسبت به شهر خود کم لطف نباشند. برای افرادی که نسبت به شهر خودشان کم لطف هستند یک خاطره دارم.»

خسروی در ادامه خاطره خود را اینطور تعریف می‌کند: «بعد از اینکه از المپیک آتن آمدم انتظار داشتم که از من توسط مسئولان فدراسیون و کمیته داوران استقبال گرمی شود اما هیچ‌کس در فرودگاه حاضر نشد. نکته اینجا بود که پول به ریال هم نداشتم. در آن زمان مجبور شدم با یک ماشین پیکان به خانه برگردم. آنقدر از دست مسئولان فدراسیون و کمیته داوران ناراحت شده بودم که تصمیم گرفتم دیگر داوری نکنم. دو سه روزی که از آن ماجرا گذشت، آقای رجبلو رئیس کمیته داوران تهران از من خواست که بروم یکی از بازی‌های تیم نوجوانان را قضاوت کنم.»

این پیشکسوت داوری که بدون چون و چرا قضاوت بازی نوجوانان را قبول کرده حرف‌هایش را اینطور ادامه می‌دهد: «بازی باید در ورزشگاه مرغوبکار برگزار می‌شد. من روز قبل از بازی تمام وسایلی که برای بازی‌های دیگر آماده می‌کردم را مهیا کردم. همسرم پرسید چه کار می‌کنی؟ در پاسخ گفتم: «باید یکی از بازی‌های تیم نوجوانان را قضاوت کنم.»

شاید باور نکنید اما بازی ساعت هشت باید برگزار می‌شد، من ساعت هفت صبح در ورزشگاه بودم. بعد از بازی مسئولان دو تیم از من تشکر کردند چون فکرش را نمی‌کردند من به برای قضاوت بازی بروم اما من آن بازی را قضاوت کردم چون به شهرم تهران بدهکار بودم و باید بدهی خود را پرداخت می‌کردم.»

خسروی ادامه می‌دهد: «من در اوج شهرت به شهرم کم توجهی نکردم. به همین دلیل به داوران توصیه می‌کنم که به شهرشان بدهکارند و باید این بدهی را پرداخت کنند.»

داور بازنشسته مدعی است که پیشرفتش در کار را مدیون نوجوانانی است که برای آنها قضاوت کرده است: «خوشحالم که فرد مغروری نیستم و در اوج شهرت هم به نوجوانان توجه کردم. شاید دعای آنها بود که من پیشرفت کردم. فکر می‌کنم دعای آنها بهترین حامی من بود.»